

# بازیگر نقش اول داستان شکل‌گیری و هابیت کیست؟

تکاپوی نماینده منتقد پارلمان کویت برای تشکیل ائتلاف حقوقی جهانی برای شکایت از تروریسم سعودی بار دیگر نگاه‌ها را به این رژیم و ساختار و ماهیت آن جلب کرده است که بر اساس آموزه‌های انحرافی و ضد اسلامی فردی به نام محمد عبدالوهاب شکل گرفت.

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، عبدالحمید دشتی نماینده پارلمان کویت از مهمترین منتقد سیاست‌های رژیم آل سعود در جهان عرب از تشکیل ائتلاف حقوقی بین المللی برای شکایت از تروریسم این رژیم خبر داده است.

دشتی که به خاطر انتقادهای آشکارش از سیاست‌های ویرانگر حکومت سعودی در جهان در معرض شدیدترین توهین‌ها و محدودیت‌های طرف‌های همسو با ریاض در داخل و خارج کویت قرار گرفته است، پس از آنکه کنگره آمریکا طرح شکایت از عربستان به دلیل دست داشتن در حملات 11 سپتامبر 2001 را تصویب کرد، خبر تشکیل یک ائتلاف حقوقی جهانی برای شکایت از حکومت سعودی به دلیل دست داشتن در فعالیت‌های تروریستی در منطقه و در کل جهان را اعلام کرده است.

طرح دشتی بر تشکیل ائتلاف فراگیر جهانی با شرکت وکلا و حقوقدانان بین المللی به نمایندگی از خانواده‌های قربانیان تروریسم در آمریکا متمرکز است.

منابع نزدیک به دشتی گفته‌اند هدف از تشکیل این ائتلاف، نشان دادن چهره واقعی و صلح‌جو مسلمانان به جهانیان و تمام کسانی است که از تروریسم حکومت سعودی متضرر شده‌اند.



**نماینده منتقد پارلمان کویت به سبب ایستادن در مقابل توسعه‌طلبی آل سعود در معرض فشارها و تهدیدهای گسترده است**

نمایندگان سنای آمریکا روز سه شنبه بیست و هشتم اردیبهشت، قانونی را تصویب کردند که به قانون عدالت علیه حامیان تروریسم موسوم شده است و بر اساس آن، خانواده‌های قربانیان حادثه 11 سپتامبر 2001 و نجات یافتگان می‌توانند با تنظیم شکایتی خواستار دریافت غرامت از حکومت سعودی شوند. در صورتی که این قانون به تصویب مجلس نمایندگان و امضا رئیس جمهوری آمریکا برسد، امکان رسیدگی به شکایت‌ها در دادگاه فدرال نیویورک فراهم خواهد شد، هر چند شواهد از مخالفت جدی باراک اوباما با تصویب این قانون در مجلس نمایندگان با توجه به روابط نزدیک و عمیق رژیم سعودی و واشنگتن حکایت می‌کند، با این حال وکلای خانواده‌های قربانیان برای اثبات دست داشتن حکومت سعودی در حادثه یازده سپتامبر تلاش می‌کنند.

اخیرا اطلاعات جدیدی درباره دست داشتن برخی مقامات بلندپایه حکومت سعودی در حادثه یازده سپتامبر و حمایت آنها از عاملان این حملات در رسانه‌های غربی از جمله گاردین منتشر شده است، به طوری که این رسانه‌ها از دلایل غیر قابل انکاری درباره نقش حکومت سعودی در این حملات سخن گفته است.



آن طور که گاردین نوشته است یک عضو جمهوری خواه کنگره آمریکا که حادثه 11 سپتامبر را پیگیری می‌کند، از اقدام برخی از مقامات سعودی در تشکیل شبکه‌ای برای حمایت از عاملان این حملات خبر داده و از دولت اوپاما هم خواسته است برای آشکار کردن گزارش محرمانه کنگره درباره ارتباط رژیم سعودی با حادثه 11 سپتامبر اقدام کند.

دولت آمریکا با وجود شواهد و مدارک فراوان مبنی بر دست داشتن سعودی‌ها در حادثه یازده سپتامبر، از انتشار آن بخش از گزارش کنگره که نقش ریاض در این حملات را افشا می‌کند، جلوگیری کرده است.

#### **هراس آل سعود از نتایج شکایت خانواده‌های قربانیان حادثه 11 سپتامبر**

باب گراهام سناتور سابق آمریکا از وحشت سعودی‌ها از نتیجه شکایت خانواده‌های قربانیان حادثه 11 سپتامبر سخن گفته است.

وی دلیل مخالفت حکام عربستان با این طرح را ترس آنها از آشکار شدن روابطشان با تروریست‌ها دانسته است.

این در حالی است که رژیم سعودی به دولت آمریکا هشدار داده است در صورت تصویب چنین طرحی که رژیم را به دست داشتن در حادثه 11 سپتامبر متهم کند، آنها صدها میلیارد دلار از اموال و دارایی خود در آمریکا را خارج خواهند کرد.





### تروریسم سعودی در جهان

تکاپوی نماینده منتقد پارلمان کویت برای تشکیل ائتلاف حقوقی جهانی برای شکایت از تروریسم سعودی بار دیگر نگاه‌ها را به این رژیم و ساختار و ماهیت آن جلب کرده است.

اساس و پایه تشکیل حکومت آل سعود بر اساس آموزه‌های انحرافی و ضد اسلامی فردی به محمد بن عبدالوهاب است که بر اساس آن فرقه ضاله وهابیت تشکیل شد و مذهب تحمیلی بر مردم عربستان هم وهابیت است.

حکومت آل سعود سه مرحله را پشت سر گذاشت، اولین مرحله حکومتی بود که در پی ایجاد پیمان سیاسی دینی میان محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود آل سعود مؤسس حکومت نخست آل سعود تشکیل شد این پیمان تا زمان تاسیس حکومت سوم (رژیم فعلی که همچنان بر مردم عربستان حاکم است) در سال 1932 میلادی به دست عبدالعزیز آل سعود ادامه یافت و این فرقه از آن زمان نام خود را بر کشور عربستان قرار داد که غالباً المملکه العربیه السعودیه (پادشاهی عربستان سعودی) و اختصاراً السعودیه خوانده می‌شود.

### پایه‌ریزی حکومت وهابی در عربستان با تکیه بر زور و شمشیر و خشونت

آل سعود از زمانی که نخستین دولت محدود خود را با تکیه بر اقدامات تروریستی و استفاده از زور و شمشیر و خشونت در الدرعیه به ریاست محمد بن سعود هم‌زمان با گسترش افکار جاهلی محمد بن عبدالوهاب طی سال‌های 1139 تا 1229 هجری قمری در شبه جزیره عربستان تشکیل دادند تا لحظه‌ای که تمام عربستان را با حمایت‌های استعمارگران غربی به زیر سلطه خود در آوردند، مرتکب کشتار و اقدامات خشونت آمیزی هولناکی شدند.

دولت دوم سعودی طی سال‌های 1235 تا 1309 هجری قمری شکل گرفت و دولت سوم از سال 1319 قمری شروع شد که همچنان ادامه دارد.



عبدالعزیز آل سعود پدر شاهان و شاهزادگان سعودی در سال 1297 هجری قمری به دنیا آمد، وی با به راه انداختن جنگ‌ها و کشتار در شبه جزیره عربستان، سرانجام در سال 1351 هجری قمری تمام عربستان را به تسخیر خود درآورد و نام کشور حجاز را به پادشاهی عربستان سعودی (المملکه العربیه السعودیه) تغییر داد و خود را پادشاه نامید. با مرگ وی در سال 1373 هجری قمری پس از نیم قرن جنگ و کشتار و درگیری بر سر قدرت، سعود یکی از فرزندان‌شان جانشین وی شد و در ادامه فیصل، خالد، فهد و عبدالله قدرت را به دست گرفتند و در حال حاضر سلمان بر تخت پادشاهی تکیه زده است.

رژیم حاکم بر عربستان، رژیم پادشاهی مطلق بوده و همه امور کشور زیر نظر مستقیم پادشاه قرار دارد و خاندان سلطنتی و شاهزادگان که برخی آن را تا 20 هزار نفر هم برآورد کرده‌اند، در هیئت حاکمه از جایگاه بالایی برخوردار بوده و تمام ارکان ثروت و قدرت را در اختیار دارند.

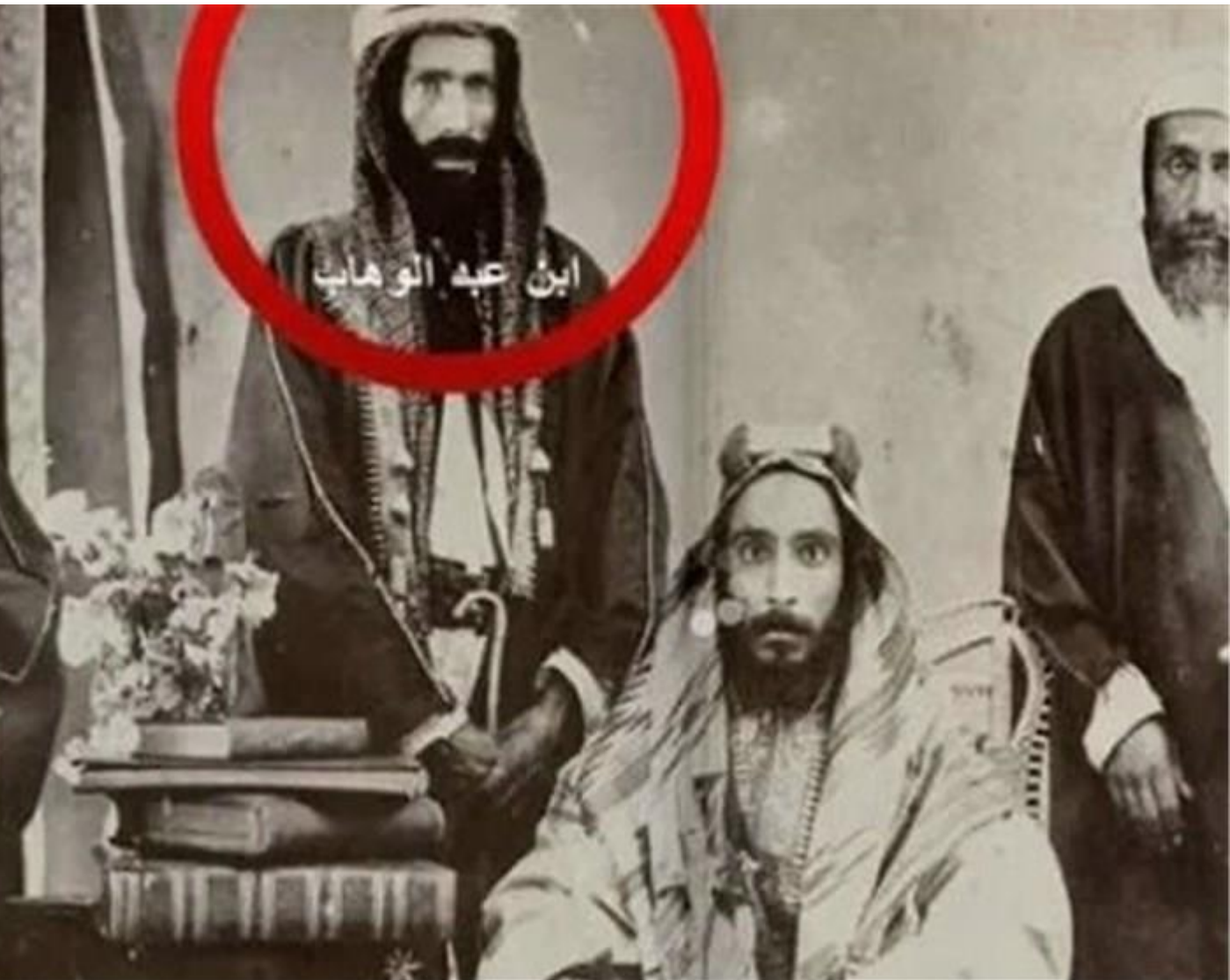
شاهزادگان سعودی با قبضه کردن تمام امور حساس بر بیش از 28 میلیون نفر در عربستان حکومت می‌کنند و ثروت‌های بادآورده حاصل از فروش نفت و گاز متعلق به مردم عربستان و تمام ارکان قدرت و ثروت را بدون وجود حتی یک نهاد انتخابی و نظارت مردمی به انحصار خود درآورده‌اند.

شبه جزیره عربی به چندین بخش تقسیم می‌شد: حجاز مناطق کوهستانی واقع بین نجد و تهامه را شامل می‌شد، بیشتر بخش‌های تهامه و حجاز تابع حکومت اشراف مکه و سپس دولت عثمانی بود.

در حالی که نجد تحت نفوذ برخی خاندان ها مانند آل سعود در الدرعیه و آل خریف در الحلوه و آل ماضی در روضه سدیر و المزاریع در منفوحه و دهام بن دواس در ریاض و بنی زید در الوشم و العرض قرار داشت، منطقه شمال نجد و پایتخت آن، حائل تابع حکومت آل علی بود.

### تشدید تحرکات آل سعود با عقاید و افکار انحرافی محمد بن عبدالوهاب

محمد بن عبدالوهاب تحرکات گسترده خود را در زمینه مذهبی با تبلیغ گسترده افکار و عقاید انحرافی و افراطی خود آغاز کرد.



محمد بن عبد الوهاب، در سال 1115 هجری قمری برابر با 1703 میلادی در شهر العُیَینه از توابع نجد شبه جزیره عربستان به دنیا آمد، وی که فردی مغرور و خود بزرگ بین بود، پس از فرا گرفتن فقه حنبلی نزد پدرش، از همان دوران نوجوانی و جوانی، آداب و رسوم و برخی عقاید مردم را به سخره می گرفت و آنها را مشرک و جاهل می خواند، تا جایی که عقایدش با مخالفت پدر و سلیمان برادرش روبرو شد، به همین سبب تصمیم گرفت به عراق و شام و مناطق دیگر برود، وی ضمن آشنایی با مذهب و عقاید جوامع دیگر، آن را به تمسخر می گرفت.

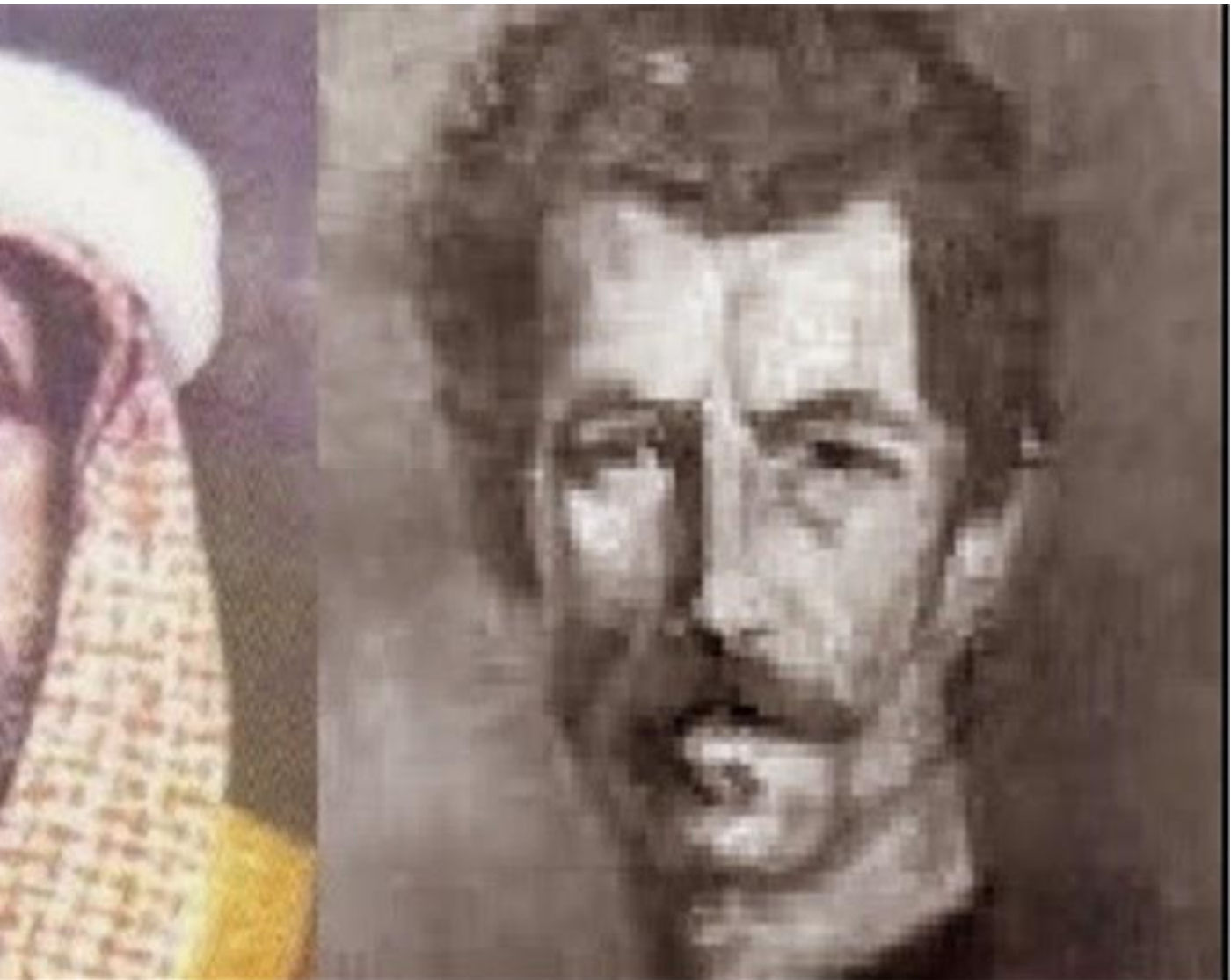
### نقش استعمارگران انگلیسی در تشکیل حکومت آل سعود

انگلیس که ید طولایی در فتنه افکنی در جهان اسلام و میان مسلمانان دارد، نقش بسزایی در کاشتن بذر خشونت و بدعت از طریق آموزش محمد بن عبدالوهاب و نفوذ در کشورهای اسلامی و عربی ایفا کرده است.

به گزارش تسنیم، زمانی که محمد بن عبدالوهاب در بصره سرگرم تحصیل بود، "مستر همفر" جاسوس معروف انگلیسی در پوشش محصل وارد مدرسه ای که بن عبدالوهاب درس می خواند، شد، وی ماموریت داشت فرد مناسبی



را برای القای افکار و عقاید ضد دینی خود برای رسیدن به اهداف استعمار انگلیس بیابد. همفر در آشنایی با محمد بن عبدالوهاب متوجه شد که وی بر خلاف دیگران، عقاید خاصی دارد و با گذشت زمان توانست چنان خود را به وی نزدیک کند تا جایی که ضمن متزلزل کردن اعتقادات عبدالوهاب نسبت به مسائلی همچون شرب خمر، متعه و.. او را به مسائل جنسی نیز آلوده کند.



مامور انگلیسی در خاطرات خود، محمد بن عبدالوهاب را گمشده خود معرفی می کند، و پایبند نبودن به ضوابط و مسائل مذهبی، روحیه مغرورانه و خودپسندی و تنفیری که از علمای عصر خود داشت و همچنین متکی بودن به استقلال نظر درباره فهم قرآن و سنت را از مطرح ترین نقاط ضعف وی می داند که توانسته است با تکیه بر این نقاط در این شخصیت منحرف نفوذ کند.

محمد بن عبدالوهاب با این تفکر منحرف که قصد دارد با تکیه بر فقه حنبلی و دخل و تصرف شخصی، دین را به زعم خود اصلاح کند، شعار مبارزه با بدعت، خرافه و بازگشت به سنت های اسلامی و خلوص و سادگی اولیه آن به شیوه "سلف صالح" را مطرح کرد که منظور وی از سلف صالح، ابن تیمیه بود که پدر معنوی و مذهبی اش بود.

حربه ای که محمد بن عبدالوهاب علیه مسلمانان غیر وهابی که اعتقادات وی را قبول نداشتند، مورد استفاده قرار می داد، مسئله شرک بود و تمام اعمال آنها را شرک آلود القا کند و بر همین اساس همه مسلمانانی را که تابع عقاید وهابیت نمی شدند، مشرک توصیف می کرد، عده ای در نتیجه آموزه های ضد اسلامی اش که حرف هایش را باور کرده بودند، با جمود و تعصب شدید، نه تنها شیعیان بلکه مسلمانان غیر حنبلی و غیر وهابی را مشرک خوانده، ریختن خونشان را مباح و غارت اموال و به اسارت گرفتن زنان و کودکانشان را جایز دانسته و می دانند.

انگلیسی ها از طریق جاسوس خود، همفر، برای آماده کردن محمد بن عبدالوهاب به هر وسیله ای متوسل می شدند و با بزرگ و دانشمند جلوه دادن وی، زمینه ظهور دین و مذهبی جدید توسط عبدالوهاب را آماده می کردند.

نکته ای که مستر همفر انگلیسی درباره محمد بن عبدالوهاب گفته است، بسیار قابل تامل است، اینکه روح استقلال و بی قیدی، خودپسندی و شک و تردید در همه چیز را در وی ایجاد کرده و همواره، او را به آینده ای درخشان مژده داده و روح آتشین و انتقادی او را تمجید می کرد.

### پایه ریزی پایه های وهابیت با کمک انگلیس

محمد بن عبدالوهاب پس از درگذشت پدرش در سال 1153 هجری قمری آشکارا به تبلیغ عقاید انحرافی خود پرداخت و با کمک انگلیس، پایه های فرقه وهابیت را در میان بیابانگردهای منطقه نجد که شهری واقع در بین مدینه و اردن بود، بنیان نهاد.

هر چند تفکرات وهابیون توسط محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم هجری تبلیغ و ترویج می شد، اما این تفکرات اساسا توسط ابن تیمیه و ابن قیم که شاگرد وی بود، و در قرن هشتم هجری می زیستند، ایجاد شده بود، تفکرات ابن تیمیه به سبب مخالفت گسترده علمای شیعه و فرقه های اهل تسنن رواج پیدا نکرد، تا اینکه چهار قرن بعد فردی به نام محمد بن عبدالوهاب، همان تفکرات را دوباره مطرح کرد و رواج داد و البته انگلیسی ها نقش اساسی در این زمینه ایفا کردند.





با وجود مخالفت تمام فرقه های اهل تسنن و تشیع با تفکرات محمد بن عبدالوهاب و حتی پدر و برادرش که مذهب حنبلی داشتند، وی به سبب آنکه اهل نجد بود، با اجداد آل سعود که بر مناطقی از شبه جزیره عربستان که در آن زمان شاهد حکومت قبیله ای بود، دست در دست هم داده و با این وعده که مردم منطقه نجد را تحت فرمان آنها یعنی آل سعود در می آورد، قدرت پیدا کرده و با توجه به اینکه هر قومی از مردم یا باید با محمد بن عبدالوهاب بیعت می کرد و یا به عنوان کافر حرفی کشته می شد، اقوام از ترس جانشان بیعت کرده و تحت سلطه آنها درآمدند و طولی نکشید که کار آنها رونق گرفت و بر بخش های زیادی از عربستان سیطره یافتند تا آنجا که در نهایت، آل سعود بر تمام عربستان مسلط شدند و مذهب رسمی را هم به اجبار مذهب وهابی قرار دادند.

### توسعه طلبی آل سعود در نجد

پس از منشور الدرعیه، توسعه طلبی سعودی و تبلیغ عقاید شیخ محمد بن عبدالوهاب که "دعوت اصلاح طلبانه" خوانده می شود و بیعت با محمد بن سعود امیر الدرعیه آغاز شد، دولت تازه تاسیس سعودی به سبب کثرت جنگ ها و رقبای زیاد و مخالفت با این عقاید یا کسانی که به دشمنان وهابیت روی ثبات را ندید.

بزرگترین رقیب و دشمن امارت الدرعیه، امیر ریاض به نام دهام بن دواس و امیر ثرمدا به نام ابراهیم بن سلیمان العنقری بود که امیر ریاض در هفده نقطه به مدت بیست و هفت سال با توسعه طلبی امارت الدرعیه و عقاید بن عبدالوهاب جنگید که طی آن حدود چهار هزار نفر کشته شدند. در ادامه دهام به الدرعیه حمله ور شد که طی آن فیصل و سعود فرزندان محمد بن سعود کشته شدند.

چندین جنگ میان طرفین رخ داد و فرار و گریز ادامه داشت تا اینکه دهام بن دواس خواستار صلح با شیخ محمد و محمد بن سعود شد و با شروط آنها موافقت.

دهام در جنگ الدرعیه ضد قبائل الظفیر در جنگ جراب شرکت کرد، پس از مرگ محمد بن سعود، اختلافات و جنگ ها میان امارت ریاض و الدرعیه از سرگرفته شد تا اینکه ریاض پس از خروج دهام سقوط کرد، دهام به سبب کشته شدن فرزندان و خسته شدن از جنگ ها به الدلم رفت. عبدالعزیز بن محمد بن سعود در ربیع الثانی سال 1187 برابر با 1773 میلادی به ریاض لشکرکشی کرد، وی با اطلاع از فرار دهام، ریاض را تحت سلطه خود قرار داد و عقاید وهابیت را در آنجا تبلیغ کرد.

عثمان بن حمد بن معمر امیر عیینه با پذیرش عقاید محمد بن عبدالوهاب در جنگ های الدرعیه مشارکت کرد، وی در سال 1183 هجری پس از نماز جمعه به سبب ارائه قرائن و شواهدی از سوی طرفداران عقاید وهابیت مبنی بر دشمنی وی با دولت نوپای سعودی و توافقات پنهانی با دشمنان این دولت به قتل رسید، پس از وی مشاری بن معمر به امارت العیینه رسید، وی مدتی بعد عزل شد و سلطان بن محیسن المعمری به جای وی تعیین شد و به این ترتیب حکومت آل معمر به پایان رسید و العیینه هم تحت سلطه دولت نخست سعودی قرار گرفت.

### توسعه طلبی و اشغالگری آل سعود با تکیه بر سیاست رعب و سرکوب

آل سعود در راستای سیاست توسعه طلبی خود به شعله ور کردن آتش جنگ و اشغال مناطق مختلف دست زدند و فضایی از رعب و وحشت را در مناطقی که در برابر آنها مقاومت می کردند، به وجود آوردند و آن مناطق را به زور تحت سلطه خود در آوردند.

Essam Al-Jheme  
essam.aljheme@gmail.com





پس از سیطره سعودی ها بر الاحساء، توسعه طلبی آنها در مناطقی از خلیج فارس از جمله کویت آغاز شد، سعودی ها چندین حمله به فرماندهی ابراهیم بن عقیصان به راه انداختند، کویت با حمله ثوینی بن عبدالله که از سوی سلیمان پاشا مامور مهار تبلیغات الدرعیه شد، همکاری کرد، با این حال کویت تحت سلطه سعودی ها قرار نگرفت.

توسعه طلبی سعودی، قطر را هم دربرگرفت و ابراهیم بن عقیصان توانست در سال 1207 هجری بر روستاهای فریحه، الحویله، الیوسفیه و الرویضه مسلط شود و عقاید و هابیت را آنجا تبلیغ کند، ابراهیم بن عقیصان، الزباره مقر اقامت آل خلیفه را تحت سیطره خود قرار داد و آل خلیفه به جزیره بحرین گریخت.

توسعه طلبی دولت سعودی تا عمان هم امتداد یافت، مطلق بن محمد المطیری را اعزام کرد و وی بر مطرح و نزوی مسلط شد و به راس الخیمه رسید و با القواسم صلح کرد و ساکنان آن مناطق را وادار به گرایش به وهابیت کرد و تمام ضریح ها را تخریب کرد.

### نقش شیوخ و مبلغان وهابی در حکومت آل سعود

شیوخ دربار آل سعود یا همان «هینه کبار العلماء السعودیه» نقش مهم مشروعیت بخشی به سیاست ها و اقدامات این رژیم را حتی اگر بر خلاف تعریفی که خود از اسلام و شرع دارند، باشد، ایفا می کنند، به عنوان مثال هر چند شیوخ وهابی، رابطه با کفار را جایز نمی دانند، با این حال در عمل آنها از چندین دهه پیش کار مشروعیت بخشی به روابط گسترده و همه جانبه آل سعود با آمریکا به عنوان شیطان بزرگ و مهمترین دشمن امت اسلام و نیز تحرکات گسترده برای عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس را وظیفه خود دانسته و به بهترین وجه ممکن در راستای خدمت به رژیم آل سعود فعالیت می کنند.



«هینه كبار العلماء السعودیه» بزرگترین نهاد دینی در عربستان است و از اختیارات گسترده‌ای برخوردار هستند و بیشتر آنها وابسته به خاندان آل‌الشیخ و از نوادگان محمد بن عبدالوهاب بنیانگذار فرقه وهابیت هستند و روابط نزدیکی با خاندان پادشاهی دارند.

نترس، تو از همه بالاتری!

یک نویسنده اردنی تاریخ نفوذ وهابیت را به سه مرحله تقسیم کرده است که شامل ایجاد فرقه وهابیت با نقش‌آفرینی مستقیم انگلیسی‌ها، به راه انداختن سه جنگ علیه اردن در همان اوایل و جنگ‌های نیابتی در منطقه از جمله جنگ سوریه است.

به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری تسنیم، احمد جرادات نویسنده اردنی در مطلبی به چگونگی شکل‌گیری فرقه وهابیت و دست داشتن انگلیسی‌ها در آن پرداخته و از جنگ‌هایی سخن گفته است که وهابیون علیه اردنی‌ها، اعراب و مسلمانان به راه انداختند.

وی تاریخ نفوذ وهابیت را به سه مرحله تقسیم کرده است :

برهه اول : تاسیس، ابتدای قرن هجدهم میلادی

جرادات آورده است : بر اساس سندی که ابهام آن را فرا گرفته و عنوانش «مذاکرات مستر همفر، اعترافات جاسوس انگلیسی در خاورمیانه» است، مستر همفر همان فردی است که با همکاری شیخ محمد بن عبدالوهاب، وهابیت را تاسیس کرده است. این سند در برخی شماره‌های نشریه اشپیگل آلمان و نیز یک رسانه فرانسوی منتشر شده و به زبان عربی و از این زبان به انگلیسی و زبان‌های دیگر ترجمه شده است.

در حالی که منابع وهابی این سند را انکار کرده و آن را ساختگی خوانده‌اند و سه ادعای مختلف و البته ناهماهنگ را برای تایید دیدگاه خود مطرح کرده‌اند: اولین ادعای وهابیون این است که شیعیان که آنها را رافضی می‌خوانند، این سند را جعل کرده‌اند، دوم این‌که بنا به ادعای آنها، عثمانی‌ها آن را تهیه کرده، سومین ادعای آنها این است که این سند شبیه پروتکل‌های صهیونیستی و فاقد سندیت است.

خواب ساختگی مستر همفر:

مستمر همفر می‌گوید : «در یکی از دیدارهایم با محمد عبدالوهاب، خواب ساختگی را برای وی تعریف کردم و همانطور که درباره او (منظور پیامبر) از خطیبان منبرها شنیده بودم- آن را برای وی (محمد عبدالوهاب) توصیف کردم و گفتم من دیشب پیامبر اسلام را در خواب دیدم که بر منبر نشسته بود و اطرافش را گروهی از علمای فرا گرفته بودند، هیچ یک از آنها را نشناختم، اما وقتی تو را دیدم، مشاهده کردم که هاله‌ای از نور از صورت تو می‌درخشد و زمانی که به رسول الله نزدیک شدم، پیامبر به احترام تو برخاست و بین دو تا چشم‌ت را بوسید و به تو گفت: ای محمد همان من و وارث علم و جانشین من در امور دین و دنیایی، و تو در پاسخ گفتی یا رسول الله، من از اینکه علم را برای مردم آشکار کنم، می‌ترسم که رسول الله به تو گفت : نترس تو از همه بالاتری».



همفر انگلیسی در ادامه می‌گوید: «وقتی این خواب ساختگی را برای محمد عبدالوهاب تعریف کردم، از خوشحالی داشت بال در می‌آورد و مرتب از من سوال می‌کرد که آیا واقعا چنین خوابی دیده‌ای و درست است؟ و هر گاه چنین سوالی می‌کرد، پاسخ مثبت بود تا مطمئن شود و به من اعتماد کند، گمان می‌کنم از آن روز وی (عبدالوهاب) مصمم شد تصمیم خود را آشکار کند.

در دیداری که میان مستر همفر و محمد بن عبدالوهاب در بصره انجام شد و البته تاریخ آن مشخص نیست، مستر همفر که نام شیخ احمد را بر خود گذاشته بود، گم‌شده خود را در عبدالوهاب پیدا کرد.

#### اهداف وزارت مستعمرات انگلیس

هدف کلی وزارت مستعمرات انگلیس در نابودی امپراتوری عثمانی و تجزیه جهان عرب و اسلام بر اساس مذهب بود و وسیله آن هم ایجاد یک جنبش دینی سیاسی (دین جدید، امارت) بود، اما ابزارهایی که مورد استفاده قرار گرفت، پول، مسائل جنسی، سلاح، جاسوسی و جذب جنگجو بود.

در دیداری که میان مستر همفر و محمد بن عبدالوهاب در بصره انجام شد و البته تاریخ آن مشخص نیست، مستر همفر که نام شیخ احمد را بر خود گذاشته بود، گم‌شده خود را در عبدالوهاب پیدا کرد.

#### طرح شش‌گانه انگلیسی‌ها برای محمد عبدالوهاب

وزارت مستعمرات انگلیس طرحی را متشکل از 6 بند تهیه کرده و آن را به جاسوس خود، همفر دادند تا محمد عبدالوهاب را برای اجرای آن متقاعد کند که این طرح شامل :

1- تکفیر تمام مسلمانان غیر از پیروان دین جدید (فرقه ساختگی وهابیت) و مجاز دانستن قتل، غارت اموال و هتک نوامیس و فروش آنها در بازارهای برده‌فروشی

2- بستن راه حج و تحریک و تشویق قبایل به غارت حجاج و کشتن آنها

3- منع اطاعت از خلیفه عثمانی و تشویق و تحریک به جنگ با وی و مجهز کردن ارتش‌هایی به این منظور

4- تخریب گنبدها و ضریح‌ها و اماکن مقدسه مسلمانان در مکه مکرمه و مدینه منوره و دیگر کشورها تحت عنوان شرک

5- ایجاد هرج و مرج و تروریسم در کشورها تا جایی که امکان دارد

6- تلاش برای خدشه وارد کردن به کعبه و تحریف متون مقدس اسلامی

با توجه به این‌که مستر همفر به ترسناک‌بودن این طرح واقف بود، وزیر مستعمرات انگلیس این گونه به وی توصیه کرد: «این برنامه بزرگ، تو را نترساند، وظیفه ما این است که بذر را بپاشیم و نسل‌های آینده (اعراب) آن را تکمیل خواهند کرد، دولت بریتانیای کبیر بر حرکت گام به گام عادت کرده است، آیا مگر محمد نبی (پیامبر اسلام) یک فرد نبود که به تنهایی توانست این تحول حیرت‌آور را ایجاد کند، بنابراین محمد بن عبدالوهاب هم مثل او باید باشد تا بتواند تحول مد نظر ما را اجرا کند.»

پس از سال‌ها فعالیت، وزارت امور مستعمرات انگلیس توانست محمد بن سعود را جذب کند و رابطه میان دو محمد (محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود) یعنی رابطه میان دین و قدرت سیاسی- را برای سلطه بر جسم و قلب مردم مهندسی کند و اینگونه بود که الدرعیه به عنوان پایتخت حکومت و دین جدید (وهابیت) انتخاب شد.

**برهه دوم: قرن بیستم- سه جنگ وهابی علیه اردن**

جنگ اول : شامگاه سه‌شنبه 22 آگوست 1922 میلادی، 1500 جنگجوی وهابی به سمت شرق اردن پیشروی کردند، که مردم شرق اردن سه نام بر این افراد گذاشتند: «الوهابیون»، «الاخوان» یا «الخوین» یا «المدینه»





مهاجمان به محل اقامت بنی صخر در الطنیب، المشتی و القسطل رسیدند و صبح‌گاهان در یک حمله غافلگیرکننده هر کسی را در مسیر خود می‌دیدند، می‌کشتند و فرقی میان جنگجو و غیرنظامی قائل نمی‌شدند، طولی نکشید که عشایر بدوی داوطلبانه به صحنه جنگ شتافتند و درگیری از سه‌شنبه تا صبح چهارشنبه طول کشید و توانستند متجاوزان را به عقب برانند در حالی که متحمل خسارت‌ها و تلفات سنگین شده بودند. نکته قابل توجه این است که نیروهای انگلیسی مستقر در شرق اردن در این درگیری دخالت نکردند. در حالی که امیر اردن مقرر خود را به صویلح ترک کرد و تنها پس از طرد متجاوزان بازگشت (نقل از : خیرالدین الزرکلی مؤلف کتاب الاعلام، دو سال در امان)

پس از سال‌ها فعالیت، وزارت امور مستعمرات انگلیس توانست محمد بن سعود را جذب کند و رابطه میان دو محمد (محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود) یعنی رابطه میان دین و قدرت سیاسی- را برای سلطه بر جسم و قلب مردم مهندسی کند و اینگونه بود که الدرعیه به عنوان پایتخت حکومت و دین جدید (وهابیت) انتخاب شد.

جنگ دوم : این جنگ صبح پنجشنبه 14 آگوست 1924 در دومین روز عید قربان رخ داد، متجاوزان چهار تا پنج هزار نفر بودند و مردم روستاهای اللین، الطنیب، القسطل و ام العمد را غافلگیر کردند، خیر این تجاوزگری به سرعت بین مردم شرق اردن پخش شد و عشایر البلقاء و برخی عشایر امان، ناعور، وادی السیر و صویلح برای کمک به قبیله بنی صخر به پا خاستند، اشغالگران روستاهایی را که مورد حمله قرار دادند، اشغال کردند و به غارت روستای الیادوده دست زدند، اما عشایر بنی صخر، البلقاء، العدوان و بنی حمیده با اتحاد و یکپارچه کردن صفوف خود با متجاوزان جنگیدند و آنها را وادار به عقب نشینی کردند در حالی که متحمل تلفات سنگین شدند و 500 نفر از آنها کشته و 300 نفر هم اسیر شدند.



جنگ سوم: کشتار غرایس، در فوریه 1928 رخ داد، هنگامی که دو هزار نیروی متجاوز، اعراب بنی صخر مقیم منطقه غرایس در شمال شرقی الجوف را هدف حملات خونین خود قرار دادند و کشتار هولناکی را رقم زدند که فقط زنان و برخی از کودکان از این کشتار نجات یافتند، شیخ الزین حتمل بن مناور و فرزندش و حدود 88 نفر دیگر از اطرافیان وی کشته شدند.

همانطور که همه می‌دانند منطقه الجوف بعداً به طور کامل تحت قلمرو حکومت سعودی وهابی قرار گرفت که باعث شد ساکنان اردنی آن همواره با سرودن شعری خشم خود را از آن ابراز کنند.

### برهه سوم : تشکیل سازمان جهانی وهابیت اول و سازمان جهانی وهابیت دوم

واژه موسوم به «سازمان جهانی وهابیت اول» شکل گرفت که به جهاد افغانی موسوم شد که در اواخر دهه هفتاد قرن گذشته آغاز شد و مهندسی آن و توزیع نقش‌ها را زیبگنو برژینسکی (مشاور امنیت ملی رئیس جمهور وقت آمریکا) با هدف جنگ با اتحادیه جماهیر شوروی به نیابت از آمریکا و امپریالیسم جهانی تحت شعار «شعار به خاطر اسلام بر ضد کمونیسم و الحاد در افغانستان» برعهده داشت.

اما آنچه واژه «سازمان جهانی وهابیت دوم» نامیده شده، برای جنگ علیه سوریه موسوم به «جهاد سوری برای مبارزه با علوی‌های نصیری و شیعه رافضی و یاری اهل سنت و جماعت» شکل گرفت که در حقیقت جنگ علیه محور مقاومت شامل سوریه، حزب الله و ایران است که اهداف آمریکا و ناتو در نهایت روسیه و چین را هم در برمی‌گیرد. جریان‌ها یا گروه‌هایی همچون جبهه النصره، داعش و دهه‌ها گروه دیگر همسو با آنها و حتی صدها گروه مسلح از خود وهابیون در جنگ علیه سوریه مشارکت دارند.



در یک مقایسه ساده و سریع میان جهاد افغانی و جهاد موسوم به جهاد سوری در زمینه‌های نظارت و فرماندهی کل و فرماندهی عملیات جنگ و تامین مالی و ماموریت‌های ارتباطاتی، هماهنگی، سرپرستی، واردات سلاح، مهمات، جنگ‌افزارها، ایدئولوژی و حتی جنگجویان، برای هر فرد عاقلی اثبات و روشن می‌شود که این دو جهاد چیزی جز نسخه واحد یک قصه یا دو سناریو برای یک فیلم واحد آمریکایی نیست.

#### انواع وهابیت و جنگ فتاوی مقدس/ ماموریت ویژه «بلک و اتر» سعودی

وهابیت چهار نوع است از جمله وهابیت دینی که ماقبل و ما بعد خود را انکار و نفی می‌کند و هر کس را که بر خلاف خود فکر کند، دشمن دانسته و تکفیر می‌کند و قتل پیروان تمام ادیان، طوایف، مذاهب و عقاید دیگری را که بر خلاف وهابیت هستند، مجاز می‌داند.

به گزارش گروه بین الملل خبرگزاری تسنیم، در سومین بخش مربوط به عملکرد رژیم حاکم بر عربستان در منطقه و جهان به نقش مفتیان و مبلغان وهابی و فتاوی آنها در کشتار و ویرانگری در کشورهای منطقه و جهان و ادامه موج خشونت و بی‌ثباتی و ناآرامی می‌پردازیم.

**جنگ فتاوی مقدس!**



محور ضد سوری در آنچه به زعم خود جهاد سوری خوانده است، از فتاوی مفتیان و مبلغان تکفیری و در راس آنها ابن تیمیه (667-728هـ)\* استفاده کرده است که مهمترین فتوایی که مستمسک تروریست‌های تکفیری برای کشتار انسان‌های بیگناه در سوریه و مناطق دیگر قرار گرفته است، به این شرح است :

ابن تیمیه می‌گوید: «این مردم که به نصیری (علوی‌ها) موسوم هستند و دیگر قشرهای مشابه آنها کافرتر از یهود و نصاری (مسیحیان) و حتی کافرتر از بسیاری از مشرکین هستند و ضرر آنها برای امت محمد (ص) بیشتر از ضرر کفار محارب مانند کفار مغول و فرنگ (غربی‌ها) و غیره است. این‌ها (علوی و شیعیان) بنا بر توافق مسلمانان، همگی کافر هستند که خوردن غذاها و ازدواج با آنها حلال نیست، آنها مرتد هستند، نه مسلمان هستند و نه نصاری، هیچ شکی نیست که جهاد با این افراد و اعمال حدود بر آنها از بزرگترین عبادت‌ها و برترین واجبات و برتر از جهاد با مشرکین و اهل کتاب است، جهاد با این افراد (علوی‌ها) از نوع جهاد با مرتدین است و صدیق (منظور ابن تیمیه از صدیق، ابوبکر است) و دیگر صحابه پیش از جهاد با کفار اهل کتاب با مرتدین جهاد کردند...»

### \* ابن تیمیه حرانی :

تقی الدین احمد بن شهاب الدین عبدالحلیم بن مجدالدین معروف به ابن تیمیه را باید منشاء پلیدی‌ها و خباثت‌های وهابیت و دشمن سرسخت اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و محبان و پیروان آنها دانست. وی در قتل عام شیعیان کسروان در راستای راندن آنها از مصر و شام و سپس مدینه و لبنان نقشی مهم داشت.

آرا و دیدگاه‌های وی از جمله درباره زیارت قبور و تبرک و توسل و شفاعت و تکفیر محبان اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، مبنای نگرش وهابیون در اداره امور حرمین شریفین قرار گرفته است. تخریب آثار و اماکن اسلامی و مراقد مقدسه، منجر کردن قبور صحابه، تشویق به قتل عام شیعیان با تکیه بر عقاید انحرافی و ضد اسلامی ابن تیمیه به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده از سوی وهابیون صورت گرفته است.

آرا و عقاید خشک و خشن و انحرافی ابن تیمیه به عنوان اصول و ساختار فرقه وهابیت از سوی محمد بن عبدالوهاب قرار گرفته که استعمارگران انگلیسی از وی و مذهب جعلی و ساختگی‌اش برای شعله‌ور کردن آتش فتنه‌های مذهبی و خونریزی و ویرانگری در جهان اسلام سوءاستفاده کرده‌اند.

احمد جرادات نویسنده و پژوهشگر اردنی می‌گوید : تمام فتاوی صادر شده که هیچ وجاهت و سندیت ندارد، صرفاً به همین فتاوی ابن تیمیه که ذکر شد، استناد پیدا کرده است و گروه‌های سلفی مسلح در بخشی وسیع در زمینه جذب (تروریست) و تحریک و تشویق به «جهاد سوری» از آن استفاده می‌کنند.

### فتاوی نفرت‌انگیز وهابیون: "جهاد لواط" و "جهاد نکاح النفس" در کنار "جهاد نکاح"

مفتیان وهابی فتاوی نفرت‌انگیز و ضد اسلامی و غیر انسانی را در توجیه فساد و فحشا برای حمایت از تروریست‌های تکفیری در سوریه و مناطق دیگر صادر کرده‌اند، جهاد موسوم به جهاد نکاح، جهاد لواط و جهاد نکاح النفس از این جمله است. مفتیان وهابی، این اقدامات شرم‌آور را فریضه دینی و مذهبی توصیف کرده‌اند.

ناصر العمر از جمله این شیوخ وهابی و محمد العریفی از عمل ناشایست و فحشایی به نام جهاد نکاح برای تروریست‌های تکفیری در سوریه حمایت کرده‌اند.



ناصر العمر گفته بود «مجاهدین(تروریست‌های تکفیری) در سوریه می‌توانند در غیاب زنان مجاهد نامحرم با محارم خود ازدواج کنند و اگر دسترسی به نامحرم آسان نباشد، مجاهدین می‌توانند با محارم و خواهران خود "عقد نکاح" داشته باشند». این فتاوی‌ی ضد اسلامی و ضد انسانی با استقبال گسترده تروریست‌های تکفیری روبرو شده به طوری که جبهه تروریستی النصره اعلام کرده بود به این فتاوی‌ی مفتی سلفی ایمان داشته و آن را اجرا خواهند کرد، و خداوند به خاطر حلال بودن آن توسط شیخشان، گناهی برای آنها و نزدیکانشان ثبت نخواهد کرد.

فتاوی‌ی عجیب و نفرت‌آور وهابیون تنها محدود به ازدواج جهادی و ازدواج با محارم نمی‌شود و این افراد با استناد به رای و حکم شیوخ سلفی با اصطلاحات ساختگی نظیر "جهاد لواط" و "جهاد نکاح النفس" فحشا را در سوریه و دیگر مناطق جهان اسلام گسترش می‌دهند.

شیخ صالح المغامسی» چهره سرشناس وهابیت و امام و خطیب مسجد قباء در مدینه منوره، فتاوی‌ی موسوم به «نوشیدن ادرار مجاهدین» در فرقه ضاله وهابیت را برای تروریست‌های جبهه النصره و الجیش الحر سوریه جایز دانسته و مدعی شده بود نوشیدن ادرار مجاهدین باعث پاک شدن گناهان مبارزان ارتش آزاد و جبهه النصره می‌شود. وی در حمایت از فتاوی‌ی شرم‌آور جهاد نکاح گفته بود بسیاری از این فتوا انتقاد کرده اند اما این فتوا بدون مشکل است و از نوعی عقیده ایمانی سرچشمه می‌گیرد و من این فتوا را تایید می‌کنم.

ناصر العمر مفتی کینه‌توز وهابی پیشتر فتاوی‌ی را علیه محبان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) صادر کرده و با تشویق تکفیری‌ها به قتل عام شیعیان با ادعای این‌که خطر شیعیان برای اسلام بیشتر از یهودیان و مسیحیان است، گفته بود «شیعیان جز با یک حکومت اسلامی جهادی ریشه کن نمی‌شوند، شیعیان بعد از برپایی حکومت اسلامی مذکور دو راه دارند: یا اینکه اسلام را بپذیرند! یا اینکه سر بریده شوند.»



وی مشاهده صحنه‌های سربریده شدن محبان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را دلنواز و جذاب خوانده و خواستار اسیر کردن زنان شیعی و توزیع آنها در میان تکفیری‌ها شده بود. فتوای تخریب و هتک حرمت مراقد مقدسه و اماکنی که مورد احترام همه مسلمانان قرار دارد، از دیگر فتاوی ضد اسلامی مفتیان وهابی است.

#### انواع وهابیت

وهابیت دینی، ماقبل و ما بعد خود را انکار و نفی می‌کند و هر کس را که بر خلاف خود فکر کند، دشمن دانسته و تکفیر می‌کند و قتل پیروان تمام ادیان و طوایف و مذاهب و عقاید دیگری را که بر خلاف وهابیت هستند، مجاز می‌داند. وهابیت سیاسی یک جریان خشونت‌طلب است، سردمدار گروه‌ها و جماعت‌های سلفی معاصر است. وهابیت جنگجو یک نیروی نظامی متجاوز سیار در جهان است که بانیان و دست‌اندرکاران آن، مزدوران وهابی را به هر نقطه‌ای در جهان که می‌خواهند، اعزام می‌کنند و با این مضمون و محتوا می‌توان آنها (مزدوران وهابی) را **رابلک** و **واتر\* اسلامی** توصیف کرد.





وهابیت اجتماعی، عبارت است از فاشیسم دینی جاهلانه جهانی شده که دست‌پخت محلی فاشیسمی بوده که ناشی از بحران سرمایه‌داری ساختاری است، ولی خشن‌تر و سرسخت‌تر از فاشیسم معروف است، زیرا وهابیت اجتماعی، لباس مقدس به تن می‌کند و یک ضد انقلاب است که برای از بین بردن انقلاب واقعی یا مقابله با آن و نیز علیه جنبش‌های آزادیبخشی ملی و استقلال به کار می‌رود.

همپیمانی میان نئولیبرال‌ها و نئووهابیون شکلی علنی و آشکار و در سطح بالایی به خود گرفته است و نکته عجیب و شگفت‌آور این است که در ارتش این ائتلاف گردانی از روشنفکران و نویسندگان ملی‌گرا و چپ‌گرایان سابق تحت فرمان وهابیون می‌جنگند.

امکان شکست وهابیت در نبردهای نظامی یا امنیتی در هر نقطه‌ای وجود دارد، ولی شکست نهایی آن تنها از طریق هدف قرار دادن منشاء اصلی فکر تکفیری واپس‌گرای عقب مانده از طریق سلاح اندیشه‌رهایی‌بخشی و حاکمیت عقل و منطق در سطح امت اسلام در یک جنگ فکر فرهنگی فراگیر با آن امکان دارد.

.....

#### \*بلک واتر :

در پی حادثه یازدهم سپتامبر و آغاز دخالت‌های نظامی گسترده آمریکا در منطقه غرب آسیا به این بهانه، شرکت‌های خصوصی امنیتی و نظامی هم به صورت چشمگیری افزایش یافتند و به نوعی می‌توان گفت فرایند واگذاری وظایف نظامی و امنیتی به چنین شرکت‌هایی، به روندی روزافزون در جنگ‌ها و ماجراجویی‌های آمریکا تبدیل شده است.

بلک واتر یک شرکت امنیتی آمریکایی است که پس از رسوایی‌های فراوانی که به بار آورد، نام خود را به آکادمی تغییر داد، این شرکت غربی، دستکم 200 عملیات تروریستی انجام داد و مزدورانش صدها نفر از شهروندان عراقی را به قتل رسانده‌اند.



این شرکت در مناطق مختلف، اقدامات خشونت‌آمیز خود را دنبال می‌کند که آخرین مورد آن به یمن برمی‌گردد که رژیم عربستان و امارات پس از زمینگیر شدن نظامیان و مزدورانشان در برابر ارتش و کمیته‌های مردمی یمن، به مزدوران بلک‌واتر متوسل شدند، اما آنها نیز نتوانستند در برابر اراده مرد یمن کاری از پیش ببرند و در تحقق اهداف متجاوزان سعودی ناکام ماندند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه‌ای در یکی از سخنرانی‌هایشان به این شرکت خطرناک آمریکایی و جنایاتش علیه انسان‌های بیگناه در مناطق مختلف به ویژه در عراق اشاره کرده بودند، ایشان فرموده بودند: «شما نگاه کنید در دنیا، ببینید آمریکا چه کار کرده؟ جنگهایی که آمریکا به راه انداخته است، انسانهای بی‌گناه و غیرنظامی‌ای که در این جنگها و در غیر این جنگها به خاک و خون کشانده است؛ دیکتاتورهایی که در شرق و غرب دنیا مورد حمایت آمریکا قرار گرفته‌اند - یکی از آنها محمدرضای پهلوی ایران بود و ده‌ها نفر از قبیل او در کشورهای آسیایی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای آمریکای لاتین، از نظامی و غیرنظامی - و سالهای متمادی به مردم خودشان ظلم کردند، خون مردم را به شیشه کردند، ثروتهای مردم را غارت کردند، پدر مردم را درآوردند. حمایت از اینها در کارنامه عمل آمریکا وجود دارد... در افغانستان یک جور دیگر، شرکتهای آدمکشی و ترور را - که من یکی [از آنها] را یک وقتی در یک سخنرانی، اسم آوردم: شرکت معروف «بلک واتر» آمریکایی که کار آن آدمکشی است، ترور است - انداختند به جان مردم" (28/11/1392)\*\*\*\*\*

## اطلاعات جالب توجه غربی‌ها درباره تاریخ وهابیت

بیست و هفتم نوامبر 2014، مقاله‌ای در سایت هافینگتون پست با عنوان «بدون آگاهی و شناخت از تاریخ وهابیت در عربستان سعودی، نمی‌توانید داعش را بشناسید» منتشر شد که مطالب این مقاله در این رسانه غربی از این نظر که بخشی از حقایق و واقعیت‌های تاریخی منطقه ملتهب غرب آسیا را نشان می‌دهد، در خور اهمیت است. نویسنده این مقاله از عوامل اسبق سرویس اطلاعات خارجی بریتانیا، MI6، است که در فاصله سال‌های 2003 - 1997 مشاور خاویر سولانا مسنول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا در امور خاورمیانه و در سال 2000، عضو کمیته میچل برای تحقیق درباره انتفاضه دوم بوده است. از وی کتابی هم با عنوان «مقاومت: اساس انقلاب اسلامی» منتشر شده است. در این مقاله به جنگ‌طلبی وهابیون و کینه‌توزی و خصومت‌ورزی آنها از پیروان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و فتاوی تکفیری آنها اشاره شده است.

بخش‌هایی از این مقاله به این شرح است:

- ابن تیمیه که در قرن 14 میلادی می‌زیست ضمن اعلان جنگ علیه تشیع، زائران مرقد پیامبر(ص) و برگزاری جشن میلادشان را تقبیح می‌کرد.

- محمدبن عبدالوهاب، پیرو ابن تیمیه گزینه گرویدن به وهابیت یا مرگ را در مقابل مسلمانان قرار داد. چنین عقایدی به اخراج وی از شهرش منجر شد تا این‌که در سال 1741 میلادی، پس از مدتی سرگردانی در حمایت «ابن سعود» و قبیله‌اش که قبیله‌ای در بیابان نجد بود قرار بگیرد.

- ابن سعود، عقاید محمدبن عبدالوهاب را برای کسب قدرت مفید تشخیص داد. حمله به مناطق روستایی همسایه و غارت اموال آنها را می‌توانست در پوشش اعتقادات مذهبی محمدبن عبدالوهاب، توجیه کند. غارت و کسب قدرت را که یک سنت عربی بود، تحت لوای جهاد - عقیده دینی - انجام دهد. ابن سعود و محمدبن عبدالوهاب به معرفی و تبلیغ مجدد شهادت برای ورود به بهشت پرداختند.

- (وهابیون) شماری از قبایل محلی را شکست دادند و قوانین خود را بر آنها تحمیل کردند. این اتحاد تا حدود سال 1790، بیشتر مناطق عربی را در اختیار گرفتند و بارها به مدینه، سوریه و عراق یورش می‌بردند. در سال 1801 میلادی، شهر کربلا را هدف حملات خود قرار دادند و با قتل عام هزاران نفر از شیعیان از جمله زنان و کودکان، مراقد امامان شیعه را هم ویران کردند. عثمان بن بشیر نجدی، مورخ اولین حکومت سعودی با افتخار نوشت که: «ما کربلا را تسخیر و سلاخی کردیم و مردمش را به بردگی گرفتیم. الحمدلله رب العالمین ما برای این موضوع عذرخواهی نمی‌کنیم و به کفار می‌گوییم سرنوشتی مشابه در انتظار آنهاست».

- عبدالعزیز سعود، در سال 1803 به شهر مکه که تحت تأثیر ترور و هراس تسلیم شده بود وارد شد. مدینه نیز دچار سرنوشت مشابهی شد.

- پیروان محمدبن عبدالوهاب بناهای تاریخی و همه مقبره‌ها و مراقد را در سر راه خود ویران کردند. آنها معماری اسلامی در جوار مسجدالحرام را که میراث چندین قرن بود، از بین بردند.

- یکی از شیعیان در نوامبر 1803 میلادی، ملک عبدالعزیز را به قتل رساند. فرزندش سعود بن عبدالعزیز، جانشین پدر شد و به تسخیر سرزمین‌های عربی ادامه داد. حاکمان عثمانی دیگر نمی‌توانستند شاهد متلاشی شدن امپراتوری خود باشند. ارتش عثمانی متشکل از مصریان در سال 1812، وهابیون را از مدینه، جده و مکه بیرون راندند.

- در سال 1814، سعود بن عبدالعزیز بر اثر تب شدید مُرد و فرزندش عبدالله بن سعود به استانبول منتقل و پس از تحقیر به شکل فجیعی اعدام شد. در سال 1815، نیروهای وهابی توسط مصریها در هم کوبیده شدند. عثمانی‌ها در سال 1818، در عیه (Dariyeh) پایتخت وهابیون را اشغال و تخریب کردند. بقیه وهابیون با فرار به سمت بیابان، بیشتر قرن 19 را به سکوت گذراندند.

- آل سعود، پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی، توسط یک زیرک سیاسی و کم‌حرف به نام عبدالعزیز در اتحاد با قبایل بدوی جنگجو، به همان شکل اولیه پیروان محمدبن عبدالوهاب و ابن سعود، «اخوان» سعودی را پایه‌گذاری کرد.

- اخوان به همان شکل اسلاف خود، بین سال‌های 1914 و 1926 میلادی در تسخیر دوباره مکه، مدینه و جده موفق بود. عبدالعزیز احساس کرد منافعش به‌عنوان پادشاه توسط انقلابیون اخوان تهدید می‌شود. بنابراین به سرکوب اخوان

پرداخت. اخوان دست به شورش زد که به جنگ داخلی انجامید و تا دهه 1930 به طول انجامید. پادشاه، اعضای اخوان را تیرباران کرد.

- تحول مهمی رخ داد، نفت در منطقه در حال اکتشاف بود. بریتانیا و آمریکا درصدد جذب عبدالعزیز بودند، اما هنوز متمایل به حمایت از شریف مکه (شریف حسین) به عنوان تنها حاکم مشروع منطقه عربی بودند. از این رو وهابیت به مصلحت و ناگزیر از یک جنبش جهادی انقلابی و مذهبی تکفیری، به یک دعوت مذهبی، سیاسی و اجتماعی محافظه‌کار و حامی وفاداری به خاندان سلطنتی سعودی و قدرت مطلقه پادشاه تغییر جهت داد.

### جهاد وهابیت بر ضد مسلمانان و خدمت به استعمار

عبدالله حلمی پژوهشگر مصری در مقاله‌ای که درباره وهابیت به رشته تحریر درآورده است، می‌گوید: وهابیت پرچم کشتار و حلال دانستن ریختن خون مسلمانان و هتک نوامیس و غارت اموال آنها را در هر زمان و در هر مکان را به دست گرفته است.

جهاد ادعایی محمد بن عبدالوهاب و کشتار مسلمانان و آتش زدن آنها و غارت اموال و هتک حرمت نوامیس آنها بهترین دلیل بر جهاد سلفی وهابی است.

حتی منطقی نیست که جهاد فردی به نام **جهیمان العتیبی\*** و اقدام وی در اشغال حرم شریف (مسجدالحرام) را فراموش کنیم، وی از شاگردان شیخ بن باز (مفتی اسبق دربار سعودی) و دوست مقبل الوادعی بود که همگی از شیوخ سلفی قلمداد می‌شدند.

.....

### \*جهیمان العتیبی:

جهیمان العتیبی که بود: جهیمان بن محمد بن سیف الضان العتیبی متولد 16 سپتامبر 1936 بود، وی به مدت هجده سال در گارد سلطنتی سعودی خدمت کرد، تا سال چهارم مرحله ابتدایی درس خواند و آنگاه به دانشگاه اسلامی مدینه منوره رفت.

جهیمان پس از آشنایی با محمد بن عبدالله القحطانی از شاگردان عبدالعزیز بن باز با خواهر وی ازدواج کرد و پس از این اقدام بود که حادثه مشهور حرم شریف مکی در محرم الحرام 1400 هجری رخ داد.





جهيمان و القحطاني هر دو وهابي مذهب بودند و گروه مسلحي را كه برخي از آنها دانشجويان علوم ديني و از مليت‌هاي غير سعودي هم در آن حضور داشتند، تشكيل دادند، بامداد بيستم نوامبر 1979 ميلادي بود كه وي با 200 تا 300 فرد مسلح پس از اقامه نماز صبح، به مسجدالحرام يورش بردند و آن را به اشغال خود درآوردند كه اين تحركات سبب شهرت جهاني آنها شد.

به گزارش تسنيم، نکته جالب اين‌كه، اين دو شخصيت وهابي كه اساسا منكر انمه اطهار(ع) از جمله امام مهدي(عج) هستند، مدعي ظهور مهدي موعود شدند و محمد بن عبدالله القحطاني خود را مهدي موعود خواند، حكومت سعودي كه اساس و پايه آن بر اساس مذهب جعلی وهابيت است، اعلام کرده بود كه نيروهاي امنيتي سعودي در درگيري با اين گروه مسلح، 127 كشته و 461 مجروح داشته‌اند و 127 نفر از افراد مسلح وابسته به العتيبي كشته و بقيه بازداشت شدند. پس از محاكمه سريع و سري العتيبي و افراد مسلح دستگير شده همراه وي، همگي در روز نوزدهم صفر 1400 قمری در ميادين شهرهاي مختلف عربستان گردن زده شدند.

#### \*عبدالعزيز بن باز:

عبدالعزيز بن عبدالله بن باز(22 نوامبر 1910 - 13 می 1999)، مفتی کل دربار سعودي از سال 1992 تا هنگام مرگ(1999) و رئيس شوراي موسوم به علمای ارشد سعودي و رئيس اداره موسوم به پژوهش‌هاي علمي و فتوا بود. وي در سال 1936 بينايي خود را از دست داد. وي از جمله وهابيوني بود كه در احياي تفكرات و باورهاي ابن تيميه و شاگرد وي يعني ابن قيم جوزيه و محمد بن عبدالوهاب بنيانگذار وهابيت نقش مهمي ايفا کرده بود، وهابيون او را مفتی اعظم خطاب می‌کردند.



وی از مشهورترین مبلغان و مفتیان وهابی و به خصومت‌ورزی و کینه‌توزی نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و پیروان آنها مشهور بود، برخی شیوخ سلفی ادعا کرده اند که شیخ بن باز امام اهل سنت در زمان خود بوده است. وهابیون از وی به عالم جلیل‌القدر، شیخ الاسلام و المسلمین، مفتی اول داخل و خارج کشور، علامه و محدث فقیه یاد کرده‌اند.

.....

فراموش کردن جهاد ادعایی شیخ جابر السلفی در منطقه امبایه مصر و اقدام وی در کشتار مسلمانان و جایز دانستن غارت اموال آنها قابل تصور نیست، وی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه التوحید السلفی در منطقه رمسیس و مسجد سنت محمدیه در منطقه الزیتون به شمار می‌رفت.

همچنین باید به جهاد ادعایی سلفی‌ها در الجزایر و اقدام آنها در ریختن خون مسلمانان و غارت اموال و هتک حرمت نوامیسشان در این کشور اشاره کرد، مردمی که بیشتر طعم تلخ مصایب زیادی را به خاطر اشغالگران فرانسوی چشیده بودند.

جهاد ادعایی طالبان و القاعده مغرب و اقدامات آنها علیه تمام مسلمانانی که اعتقادات انحرافی و جاهلانه آنها را نمی‌پذیرفتند و جایز دانستن ریختن خون مردم در کشورهای غربی و نیز دست زدن آنها به انفجارها و ویرانگری را فراموش کرد.

و موارد بسیار دیگری از جهاد ادعایی و موهوم وهابیون وجود دارد که اشاره و تشریح آنها در این مقال نمی‌گنجد و کافی است به سایت‌ها یا کتاب‌ها و مقالات فراوانی که در این باره نگاشته شده، مراجعه کرد.

چگونه می‌توان همه این مسائل را انکار کرد، کافی است نگاه کوتاهی به چگونگی شکل‌گیری مذهب ساختگی وهابیت توسط محمد بن عبدالوهاب و تعریف و ویژگی‌های جهاد از نظر وی و دیگر شیوخ وهابیت نگاه کنیم.

هنگامی که محمد بن عبدالوهاب دین جعلی خود را تبلیغ کرد که اساساً بر تکفیر مسلمانان و حلال دانستن ریختن خون آنها به جای مبارزه با دشمنان معروف و شناخته شده مسلمانان مبتنی بود و بهانه‌اش پاک کردن اسلام از شرک و بدعت بود، انگلیسی‌ها که آن زمان ادعا می‌کردند خورشید در امپراتوری‌شان غروب نمی‌کند، اهتمام زیادی به وی نشان دادند و برای اجرای طرح خود علیه جهان اسلام با محمد عبدالوهاب ائتلاف کردند تا بر جهاد فی سبیل الله غلبه کنند و این طور شد که جهاد در عقیده وهابیت به جنگ تمام عیار میان مسلمانان با تکیه بر ادعای بدعت و شرک تبدیل شد تا انگلیسی‌ها از کشف این مهره برای رسیدن به اهداف و مقاصد شومشان علیه جهان اسلام سر از پای نشانند. هر کس جنگ‌های وهابیت را در سرزمین جزیره العرب و اطراف آن ملاحظه کند، این حقیقت را به وضوح درک می‌کند.

تاریخ وهابیت حتی یک نبرد و جنگ با یهودیان و مسیحیان را ثبت نکرده است، بلکه این تاریخ ملامت از کشتار مسلمانان در مکه مکرمه، طایف، مدینه منوره، قطر، بصره، کربلای معلی، نجف اشرف، اردن، سرزمین شام و دیگر مناطق است و آنها به این تاریخ خونین در تالیفات و نوشته‌های خود افتخار می‌کنند، جهاد با استعمار هیچ جایی در قاموس وهابیون ندارد.

به گزارش تسنیم، وهابیون در توصیف جنگ‌های خونین خود برای اشغال کامل شبه جزیره عربستان از جمله حجاز، مردم این مناطق را که حاضر نبودند از توهامات و باورهای انحرافی و جاهلانه آنها تبعیت کنند، غیر مسلمان می‌خواندند. به عنوان مثال عثمان بن بشر از مورخان وهابی در توصیف جنگ وهابیون برای اشغال منطقه القصیم عربستان، وهابیون را مسلمان توصیف کرده و مدعی شده است هر یک از مسلمانان (یعنی وهابیون از نگاه بن بشر)، بیست نفر از ساکنان القصیم را به قتل رساند. نگاهی به نوشته‌ها و تالیفات وهابیون درباره چگونگی اشغال سرزمین عربستان از جمله حجاز توسط آل سعود وهابی نشان می‌دهد که فقط آنها مسلمان هستند و امت اسلام همگی در مسیر کفر مورد نظر آنها هستند.

عثمان بن بشر با توصیف نحوه حملات نیروهای آل سعود به ناحیه الاحساء عربستان به توجیه جنایات هولناک متجاوزان پرداخته و ریختن خون و هتک نوامیس مسلمانان را حلال می‌داند.

عبدالرحمن الجبرتی از مورخان مشهور مصری کتاب «تاریخ عجائب الآثار فی التراجم والأخبار می‌نویسد: آنها (وهابیون) با طایف و مردم آن به مدت سه روز جنگیدند تا این‌که این شهرک را به زور تصرف کرده و مردان را به قتل رساندند و زنان و کودکان را به اسارت گرفتند، دیدگاه آنها (وهابیون) درباره کسانی که با آنها می‌جنگند، اینگونه است.

عثمان بن بشر النجدی مورخ وهابی و مولف کتاب موسوم به عنوان المجد فی تاریخ نجد به تجاوز وهابیون به کربلا معلی و حوادث خونینی که در سال 1801 میلادی در نتیجه این جنگ رخ داد، اشاره کرده و در تایید این جنایات پس از تکفیر مسلمانان پیرو اهل بیت عصمت و طهارت (ع) چنین نوشته است: «ما کربلا را گرفتیم و مردم آن را سریریدیم و جمعی را هم به اسارت گرفتیم، الحمدلله رب العالمین، ما هرگز از این اقدامات عذرخواهی نمی‌کنیم و به کفار می‌گوییم سرنوشتی مشابه در انتظار آنهاست»

پژوهشگرانی که در تاریخ وهابیت تحقیق کرده‌اند، اثبات کرده‌اند که تحرکات محمد عبدالوهاب برای تبلیغ مذهب ساختگی وهابیت به دستور مستقیم وزارت امور مستعمرات استعمارگران انگلیسی آغاز شده بود. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توان به کتاب‌های موسوم به «أعمده الاستعمار» نوشته خیری حماد، «تاریخ نجد» نوشته سنت جان فیلی و خاطرات حاییم وایزن اولین نخست وزیر رژیم صهیونیستی و کتاب نقل و تحلیل وهابیت نوشته دکتر همتی مراجعه کرد.